



# مراقب امتحانی نه، خود کنترلی

بسیاری از فلاسفه و اندیشمندان اجتماعی پاسخ این سؤال را که چرا با وجود تضاد خلق و خواها و منافع فردی، جنگ همه علیه همه در نمی‌گیرد، در موضوع اخلاق یافته‌اند. اخلاق به معنی رعایت حقوق و انتظارات اجتماعی به صورت درونی و از روی میل و تمنا، از دیرباز مورد توجه بسیاری از فلاسفه و اندیشمندان اجتماعی بوده است. هر چند از دریچه‌های متفاوتی به این موضوع نگریسته شده، اما از منظر صاحب‌نظران این حوزه، مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری اخلاق، آموزش **خودکنترلی** است که از آن به «خودمختاری» تعبیر می‌شود و **کانت** آن را سرچشمه قانون اخلاق می‌داند. طبق نظر او، در یک نظام اجتماعی انسان‌های خردمند براساس معیارهای درونی شده از قوانین جامعه تبعیت می‌کنند (خرم‌دل، ۱۳۸۷).

انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند. زندگی دور از جمع و در انزوا برای انسان خواستار رفاه و تمدن نه ممکن و نه میسر است. افراد به‌طور نظام‌دار با خانواده، محیط شغلی، محله، اقوام و... در ارتباط‌اند. ارزشمندی این روابط به آزادی و مسئولیت‌پذیری آن‌ها بستگی دارد. **روسو** در این باره می‌گوید: هر عضو جامعه آزادی خود را به اراده عمومی می‌دهد و در مقابل از حقوق تازه‌ای برخوردار می‌شود. در این روابط، نقش‌هایی شکل می‌گیرند. «نقش» عنوان یا پرچسبی است که با آن جایگاه و الگوهای رفتاری شخص در جامعه تعیین می‌شود. بر این اساس، قانونمندی‌هایی در سطح روابط اجتماعی وجود دارد. یکی از نقش‌هایی که با نزدیکی فصل امتحانات پررنگ می‌شود، نقش مراقب است که با الگوی عمل‌های خاص خود پایگاه می‌یابد؛ همان که با شماره‌های ۱ و ۲ و... جایگاه فیزیکی‌اش در جلسه تعیین می‌شود.

مراقب در واقع کنترل‌گری بیرونی است که در مقابل کنترل درونی قرار می‌گیرد. افراد با قدرت کنترل درونی به دنیا نمی‌آیند. این

سیک رهبری رابطه‌مدار دارند و سلسله مراتب فرماندهی در آن‌ها کمتر جایگاهی دارد، لذا تسهیل دانش از طریق شورای مدرسه و معلمان و جلسات انجمن اولیا، راحت‌تر صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه در مدارس سخت‌افزار و نرم‌افزارهای فناوری اطلاعات توسعه یافته‌اند، استفاده معلمان و مدیران از این امکانات به روند تسهیم دانش کمک فراوانی می‌کند. ارائه روش‌های جدید مدیریتی و آموزشی، نرم‌افزارهای تازه تدریس و رویه‌های جدید سازمانی و... از جمله مواردی هستند که با استفاده از فناوری می‌توان آن‌ها را بین به‌همکاران دیگر انتشار داد.

**۴. کاربرد دانش:** دانش نهان و آشکار، فردی و سازمانی، گذشته و جدید درباره ابعاد آموزش و پرورش، برای اتخاذ تصمیمات و رویه‌های جدید، به نحوی که بتوانند مدرسه را به هدف‌های تعریف‌شده‌اش برسانند، باید مورد استفاده قرار گیرد. دانش درباره روش‌های تدریس و مدیریت، مهارت‌های فردی، اطلاعات دانش‌آموزان، انواع ارزشیابی تحصیلی، وسایل کارگاهی و آزمایشگاهی، دستورالعمل‌های آموزشی و پرورشی و... زمانی ارزشمندند که عیناً در مدرسه تجربه و به کار گرفته شوند تا به اثربخشی و کارایی مدرسه یاری برسانند. همچنین، ضرورت دارد دانش فردی و سازمانی مدیران و معلمان در قالب محصولات و خدمات کاربردی به متقاضیان (مدیران، معلمان دیگر و دانش‌آموزان) عرضه شود. زمانی می‌توان به کاربرد دانش در مدرسه اذعان کرد که کیفیت آموزشی، رشد همه جانبه دانش‌آموزان و تربیت شهروندان خلاق و مفید بهبود یافته باشد. از آنجا که معلمان و مدیران خود مجری و تصمیم‌گیر آموزشی و مدیریتی هستند، این امکان را دارند که دانش فردی و مدرسه‌ای را در زمینه‌های مختلف در کلاس‌ها و مدرسه پیاده و بازخورد آن را مشاهده و به حذف یا تعدیل آن اقدام کنند. مدیریت دانش بدون مرحله کاربرد دانش، اجرا و برقراری این مدل را ناقص و ناموجه می‌سازد.

## منابع

۱. آتشک، محمد و ماهزاد، پریسا (۱۳۸۶). مدیریت دانش: مفاهیم، یافته‌ها، کاربردها، مجموعه مقالات همایش محیط‌های مجازی در هزاره سوم، رودهن.
۲. افراز، عباس (۱۳۸۴). مدیریت دانش (مفاهیم، مدل‌ها، اندازه‌گیری و پیاده‌سازی). دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران.
۳. ابطی، سید حسین و صلواتی، عادل (۱۳۸۴). مدیریت دانش. فصل‌نامه مدیریت و توسعه، شماره ۲۵.
۴. دانش فرد، کریم‌الله و ذاکری، محمد، (۱۳۸۹). «مدیریت دانش». سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۵. محمدی فاتح، اصغر؛ سبجانی محمد صادق؛ محمدی، داریوش (۱۳۸۷). «چارچوب نظری مدیریت دانش». پیام بویا، تهران.
6. Gold, A.H., Malhotra, A., Segars, A.H. "Knowledge management: an organizational capabilities perspective", Journal of Management Information Systems, (18:1), 2001.
7. Quinn, J. B. , Anderson, p and Finkelstein. S. (1996), "Managing professional intellect of alignment between business and information technology objectives, MIS Quarterly, Vol. 24 No. 1.
8. Hals.Steve. (2001). Dimensions Knowledge and its Management, Available at :www. Insigting. Co. uk.
9. Liebowitz, j. and suen, c.y. (2000), "developing knowledge management metrics for measuring intellectual", journal capital, vol. 1 no.1.
10. Hasnsen, m.t., nohria, n. and Tierney, t. (1999), "what's your strategy for managing knowledge?" Harvard business review, march-april.



از خودبیگانگی اتفاق می‌افتد، به این دلیل که به‌طور غیرمستقیم این اندیشه را به دانش‌آموز القامی کند که شما قابل اعتماد نیستید.

• **حالتی که فرد خودمختاری داشته و کنترل کم باشد:** سبب می‌شود که شخص نقش خود را به‌صورت مبتکرانه انجام دهد. با توجه به این تفسیر، برای جلوگیری از ایجاد احساس عجز یا سازشکاری در دانش‌آموزان بهتر است مراکز آموزشی در جهت رشد شخصیت آنان اقدام کنند تا بر تعداد مراقبان جلسه امتحانی بیفزایند. یکی از انتقادات اساسی که بر آموزش و پرورش متکی بر حفظیات وارد است، جهت‌گیری‌های شناختی ضعیف است. تأکید زیاد بر نمره و از سوی دیگر، در نظر نگرفتن تربیت به‌عنوان بعدی اساسی در نظام آموزشی، فرصت تربیت شهروندان مسئول را می‌گیرد و شخصیت‌هایی را در جامعه شکل می‌دهد که برای عمل کردن براساس معیارهای جامعه در همه حال به کنترل‌گر بیرونی نیاز دارند. تا جایی که اگر دانش‌آموزی سر جلسه امتحان حالش بد شود، باید حتماً به همراه یک مراقب جلسه را ترک کند. همین امر اعتماد اجتماعی را به‌عنوان مهم‌ترین عامل «سرمایه اجتماعی» جامعه کاهش می‌دهد.

اگرچه دانش‌آموزان با پیشینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوتی وارد مراکز آموزشی می‌شوند، اما بحث ضعف اخلاق بحث امروز و دیروز نیست. مراکز آموزشی، با در اختیار داشتن قشر تربیت‌پذیر، با درک تفاوت میان دانش‌آموزان، و با به‌کارگیری معلمان و مدیران آگاه می‌توانند به تعالی اخلاقی جامعه کمک کنند. بر این اساس **چلبی** معتقد است کم و کیف روابط عاطفی و آرایش آن‌ها در جامعه تا حد قابل ملاحظه‌ای چند و چون نظم اجتماعی و اخلاق اجتماعی را مشخص می‌کند (پیشین). فرصت خوبی است تا کنترل بیرونی را به درون انتقال دهیم و از اتلاف انرژی و وقتی که جز افزایش سرخوردگی، ناسازگاری و از خودبیگانگی بین دانش‌آموزان نتیجه‌ای ندارد، جلوگیری کنیم.

استعداد ذاتی و مادرزادی نیست، بلکه در روند جامعه‌پذیری کسب می‌شود. به اذعان کارشناسان، امروزه مراکز آموزشی مهم‌ترین نقش را در فرایند جامعه‌پذیری دارند تا جایی که برخی خانواده‌ها برای رفع مشکلات اخلاقی و رفتاری فرزندشان به مدرسه مراجعه می‌کنند. یعنی مراکز آموزشی با شکل دادن خصوصیات نسل آینده می‌توانند جامعه را از مشکلات اخلاقی حفظ کنند.

در همه جوامع افرادی وجود دارند که به کنترل‌گر بیرونی نیاز دارند، و گرنه بحث مجازات و کنترل اجتماعی به‌وجود نمی‌آید. اما این زمانی است که کاری از عهده درونی کردن ارزش‌ها بر نیاید. **راجرز** در مطالعه‌ای که روی ۷۵ جوان بزهکار انجام داد، اهمیت خودکنترلی را تأیید کرد. او آموزش و پرورش را متهم می‌کند که نتوانسته است این مهم را تعالی بخشد (Becon, 1993). در واقع فرد باید خود را به‌عنوان گرهی در شبکه روابط اجتماعی درک کند. همین امر او را به درک خردمندانه اصول و ارزش‌های جامعه می‌رساند. حال این سؤال مطرح می‌شود که چه عاملی باعث وجود انسان‌های فاقد حس درک محدودیت‌ها می‌شود؛ همان‌هایی که با انتخاب‌هایشان برای خود و دیگران مشکلات و ناراحتی‌هایی به‌وجود می‌آورند.

در یک مقیاس کوچک‌تر شاید بتوانیم مطالب ذکر شده را در یک جلسه امتحان بررسی کنیم. مراقبت نقشی است که اکثر معلمان آن را با اکره قبول می‌کنند. به این علت که آن‌ها را در تقابل با دانش‌آموزان قرار می‌دهد؛ مراقب فردی است که قرار است تمام حواسش به دانش‌آموزان باشد تا خطایی مرتکب نشوند. حالت‌های زیر با توجه به نوع شخصیت دانش‌آموزان و میزان کنترل به‌وجود می‌آید (چلبی، ۱۳۸۶):

• **حالتی که شخصیت رشد نیافته و کنترل زیاد باشد:** به انحراف از نقش یا سازگاری اجباری منجر می‌شود. ابداع شیوه‌های نوین تقلب یا فریب دادن مراقب امتحان نمونه‌هایی از این دست هستند

• **حالتی که شخصیت رشد نیافته و کنترل کم باشد:** به ناهنجاری منجر می‌شود. همین که مراقب برای لحظه‌ای جلسه امتحان را ترک کند، یا مشغول کاری شود، جلسه امتحان به هم می‌ریزد.

• **حالتی که فرد خودمختاری داشته و کنترل زیاد باشد:**

منابع  
۱. خرم‌دل، نرگس (۱۳۸۷). مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.  
۲. چلبی، مسعود (۱۳۸۶). در بیان انواع حالات (جزوه درسی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش).  
3. Becon, Charles. 1993. Student responsibility for learning. *Adulcescence*, V.28, N.109, 200, 2012.